

تدبر و فکر نیست - و نیست بهترین بعلمیکه در و پر نیز گاری نیست - و نیست بهترین
 بما لیکه در و سخاوت نیست - و نیست بتری با تار بیکه در و حفظ مرا تمست - و نیست
 بهترین نعمتیکه در و شکر گزاری نیست - و نیست بتری به عا لیکه در و اخلاص
 نیست -

کامل - فرمود - و انا آنست که با تقضای وقت کار کند - بیستنا آنست که بر
 معائب خود و بر بند دیگران ناظر باشد - صاحب سخن آنست که هر چه گوید فهمیده گوید -
 خوشوقت آنست که بقوت مقاصد دنیا ملول نگردد - آسوده آنست که از بیم دامید فاسخ
 باشد - بیغم آنست که هیچکس را نیازارد - زورمند آنست که قوای غضبی و شهوی را
 مغلوب سازد - عزیز دلهما آنست که از خود بی بینی و خود پرستی
 واره -

شاه سلون علیه الرحمه - فرمود - اندیشه آخرت پیشه اهل معرفت - زره
 یاد اسلحه به از هزار بادشاهی - تلاوت قرآن جلالت ایمان - رضای دوست
 از همه نیکوست - حال آگهی در میدانست و در دست چو گامنت - فردانه گوی در میدانست
 نه در دست چو گام - هوشیار باش بر بار باش در بندگی پروردگار باش -
 بیست نمیگویم که از دنیا جدا باش بهر جای که باشی با خدا باش
 الله بسن باقی هوس -

عاقلان - گفته اند که علامت ایلهی شجاعت - اول ناخوانده بر سفره کسی حاضر شود

دوم مهان باشد و بر صاحب خانه حکم کند - سوم طلب خیر از دشمنان نماید - چهارم از
 ناکسان چشم احسان دارد - پنجم در کس در سخن باشند و غرور را هم شامل
 سازد - ششم در استخفاف حاکم و بزرگان کوشد - هفتم بجای نشیند که لیاقت
 آنجا نداشته باشد - هشتم بر گفتار بود و بر غیبت سامعین سخن آغاز نماید -
 لطیفه - سادۀ در رنگ علمای مجمل قاضی آمد - از آنجا که ظاهر آن سال کباب است
 قاضی تعظیم برخاست - و سادۀ را بر سادۀ خود جاداد - چون سکوتی بسیار و زدید
 تا دیر خاموش نشست - قاضی را گمان نمانش بقیمن نزدیکتر شد - آخر گفت
 چیزی بفرماید - گفت صائم روزه کی افطار کند - گفت وقتیکه آفتاب غروب شود
 گفت اگر تا نیم شب غروب نشود - قاضی را خنده گرفت و گفت معاف دارید که اول مسئله
 غلط کردم -

تاکید اکید - و پذیرد و انشورال اقوال سنجیده است و افعال پسندیده
 ایزد و اوار که قوت گفتار داد و طاقت کردار - اگر گشتیها گفته آید و کردنیها کرده شود
 شکرانه نعمت و بهانه رحمت - اما پایگاه گفتار از کردار بالاتر است - آن فردمانده است
 و این فرمان پذیر - آن قائده نخست و این نوآمده گیر پیشینیاں خرد اما آراست
 که پسینیاں گوشکنند و شاهراهی راست کرده اند که پیریاں کج نروند - تو دانستی
 که افسانه برای آن سرزیده اند که بخواب روی - فی لی برای آن گزارده اند که از خواب
 بیدار شوی -

صفا نظره - روزی های و غلیوازی بر سه شاخه نشسته در میان ایشان
 مناظره رفته غلیوازی گفت بدتست که اندیشه میسریم که در زمین بانو بزم بریم و در هوا به از آن
 میسریم - اگر هر دو هم نواله و در یک قباله ایم اثر سعادت بچه محبت درنا صبیحه تو
 بین است و در غنجوست از چه مراد بر همین است - چه آنکه صاحب تخت و تابند
 بسایه اتبال تو محتاجند - و همه در سایه تو آویزند و از همساگی من میگریزند - ترا در
 معنی حکم ساخته ام تا حکم کنی که حکمت چیست - های گفت اینهمه تو راست گفتی اما
 تراست نگفتی - غلیوازی گفت آن که ایم عیبت - گفت آنکه همیشه این هنرداری که
 خود را که ماوه و گه نرداری -

مواجهه عبد الله انصاری - فرمود - بدانکه خدا تعالی در ظاهر کعبه بنا کرده
 که از آب و گل است و در باطن کعبه ساخته که از جان و دوست - آن ساخته ابراهیم
 خلیست و این بنا کرده است جلیل - آن منظور نظر مومنانست و این منظور نظر رحمانست
 آن مسجد الحرام معروف و این بقصد الانام موصوف - آنجا موزه و عرفاست اینجا
 محل زیارتست - در آن رکن یاقینست و درین کنوز معانیست - در آنجا هفت
 طوف محقق و درینجا صد هزار خوف از حق - آن شش جمله مقام ابراهیمست و این
 متصل بالهام رب کریمست - آنجا بلبله گویند و اینجا تصفیه جویند -

حکما گفته اند که با شکر صحبت غنیمت با پیشرو - اول آنکه ادای حقوق مؤ
 خود مرعی دارد - دوم آنکه عقد محبت او بجاودات روزگار نگردد - سوم آنکه تعظیم ابرام باب

نبودم -

خافان چین - فرمود - چون بزرگ سخن نگویم برو غالبم و بهر که گفته شد او بر من
غالبست -

رای دهند - فرمود هر سخن که بگفت در می آید یا برنج صوابست یا در معرض
خطا -
جلسه ظاهر بودن چنانچه

اگر صوابست قاضی در جبرآن سخن مانند تا از عهد بیرون تواند آمد یا نه
و اگر خطاست هیچ فایده ندارد پس در هر دو حال خموشی یا از مخالفت

شکایت - پیش ازین همت مردان بدان بود حالا زیانست -

پیش ازین صحبت با بنین برای نفع بهر که بود حالا هر که را قصد اخذ و برست -

پیش ازین دوستان در عرض یکدیگر دعا میکردند حالا دعا میکنند -

پیش ازین تحصیل علوم برای حصول دین ستین بود حالا برای حصول دنیا -

پیش ازین جان و مال نثار ابر و سیکر دند حالا آبر و برای مال میریزند -

پیش ازین احسان میکردند منت نمیگذاشتند حالا اگر ایندانی برسانند منت میگذرانند

پیش ازین اهل دول محتاج فرزندان بودند حالا فرزندان محتاج زمان -

پیش ازین ملوک و امرا جو یا می صحبت و دانشندان بودند حالا میل خاطر بصحبت

مقلدان و سخنگان دارند -

صاحبان - فرمود - آفریدگار جلشانه که نقش وجود را از نهادن عدم در کارگاهش شود
مجازاً یعنی بقال

مرتب و واجب دانند - چهارم آنکه از غدر و فجور و نخوت و غرور پیر بسوزد - پنجم آنکه در مال ششم بر ضرب و خود قاور باشد - ششم آنکه با دای مقاصد ناسان بمقدار مقدر سعی نماید - هفتم آنکه بسچگاه از طریق ادب تجاوز نکند - هشتم آنکه با طبع دوست صلیح و اهل عفت باشد -

همچنین - از صحبت هشتاکس ضرر لازمست - اول آنکه در نعمت منعمان نگاه نداد و و خوراک بفران نعمت سپارد - دوم آنکه غضب بر حلم او مستولی باشد و بی موبی ششم گیرد - سوم آنکه بمرور از مغرور گردد و خود را از رعایت حقوق نادان و خلایق بسیار پذیرد - چهارم آنکه بنای کار بر غدر و مکر کند و آنها را در نظر خود سهل گرداند - پنجم آنکه ابواب دروغ و خیانت بر خود گشاده دارد و از راه راستی و امانت کناره گیرد - ششم آنکه در خیال شہوت ریشته نفس دراز گیرد و هوا و هوس را قید و مقصود شمارد - هفتم آنکه بقلبت حیا موصوف بود و بشوخی چشمی و بی ادبی گذارد - هشتم آنکه بی سببی در حق مردم بدگمان شود و بی حقی اهل ضرر را متهم سازد -

اتفاق سیه سه تن از پادشاهان عظیم الشان که در مجلس کسری حاضر آمدند هر چهار سخن را بطرز متمیز بیان کردند -

نوشیروان - فرمود - که هرگز بر حسن ناگفته پشیمان نبوده ام بر بعضی

سخنان که گفته شد بسیار ندامت خورده ام -

قیصر روم - فرمود - آنچه نگفتم توانستم که بگویم و آنچه گفتم بدان قادر

نوردم -

خافان چیت فرمود - چون بزرگ سخن نگویم برو غالبم و بهر که گفته شد او بر من غالبست -

رای همدان فرمود هر سخن که بگفت در معنی آید یا بر هیچ ندو ایست یا در معرض جائز ظاهر نردن ^{خفا} -

اگر صوابست قائل و - بعد آن سخن مانند از عهد و بیرون تواند آمد یا نه -
و اگر نطاست هیچ قائم و نه در پس در هر دو حال خموشی باز نطاست -

شکایست - پیش ازین جهت بر دل بود حال از این است -

پیش ازین صحبت ناپسند برای نفع بهر که بود حالا هر که اقتصاد و درست -

پیش ازین دوستان در معنی یکدیگر دعا میکردند حالا دعا میکنند -

پیش ازین تحصیل علوم برای حصول دین متین بود حالا برای حصول دنیا -

پیش ازین جان و مال شمار ابرو میکردند حالا آبرو برای مال میریزند -

پیش ازین احسان میکردند منت نیگذاشتند حالا اگر ایزد نیرسانند منت نیگذاشتند -

پیش ازین اهل دول محتاج فریبندان بودند حالا خردندان محتاج نامان -

پیش ازین ملوک و امارا جو برای صحبت داشتند ان بودند حالا اسل خاطر بصحبت

تقلد و سخنگان دارند -

صاحبان فرمود - آفریدگار جلشانه که نقش وجود را از آنها نماند عدم در کارگاه او شود کماند بینه بقال

جلوه داد هر یکی را از حیوان و انسان در قالب دو گانگی ریخت تا به چینی هم یگانگی
 یاوزند پس وحدت خود را در دو خانه ساخت بچه خانه گل که قاصد این مراسم صوری
 باستعد و راحله جسمانی بار را بطرف کعبه مجازی از گره رسیم ساقط کنند دوم
 خانه دل که سالکان منازل معنوی باستعد و قافله روحانی است این طوفان اول بر ریاضت
 قبله حقیقی بر ذمه خود فرض گیرند - آن کعبه در جسم ارکانست این قبله در چشم انسانست
 آنرا بیابند و بگذارتند این را بهینند و بردارند - آنرا پایاده و سوار روند - این نشسته
 و در کار شوند - آنرا پای تحلیف طی کنند این را به چشم نختین می کنند - طوفان
 آنرا از خانه بر آیند و طوف این را بخانه در آیند - در تعبیر آن صورت سنگ و گل نماید
 در تصویر این معنی جاں و دل کشاید - آنجا بر سنگ و گل طواف کنند اینجا از جاں
 و دل محاف کنند -

قوله تعالى إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ يَعْنِي

و شمایان آن شخص زیاده مکرمست که از همه زیاده تقیست و
 مستقی آن باشد که ترسند از آفریننده - و ترسند از آفریننده و صادق و صادق
 و نیکو راحم - و راحم عادل - و عادل باذل - و ماذل مبور - و مبور متوکل علی
 الله خواهد بود -

و ازین فرمایم دور - یعنی نه راشی - نه مرتشی - نه سارو - نه مقامر - نه شارح
 نه زانی - نه ظالم - نه کاذب خواهد بود -

چه آقا و شرافت لازم و ملزوم هر که مستقیقت شریفیت و شرفیت توفیق -
 و هر که از آقا و شرافت عاریست بدین ذایم قریب نیستی عاصد خواهد بود - و علم
 منافق - و منافق محجب - و محجب خود غرض - و خود غرض نفس پرور - و نفس پرور
 سودی و سودی بپیرم - و بپیرم بیجا - و بیجا گاهی قائل غلب و جلال نخواهد بود -
 مناجات خواجہ عبد اللہ انصاری علیہ الرحمہ
 الہی وئی و ده کہ در کار تو جان با نیتیم و جانی ده کہ در کار اینجماں پر دانیم -
 الہی کفایتی ده کہ در آن بر ابر نشود و تقاضی ده کہ صدقہ عرس ما باز نشود
 الہی و زانی ده کہ از راه تفسیر و بیان ما ده کہ در چاہہ مفیدیم -
 الہی شفاعتی ده کہ این معادلان شفاعتی نیاید تو کشاوی و ده کہ ازین مایلان
 کاری کشاید -

الہی ہمدراز کبر شیطان نگاہار و ہمدراز کبیر نفس المارہ در پناہار -

الہی بر آبر کار میں شکر کہو دایس -

الہی علمی ده کہ درو ہوا تود و علمی ده کہ درو رہا بود -

الہی اگر میں خام تو بختہ کن و اگر بختہ ام سوختہ کن -

سدا محمد کہ کتاب فوائد کتاب تعلیم طرز اخلاق رہنما ہے غلو و اشتغال مبرون بہ تعلیم الاخلاق
 بہ تمام راہی رحمت رب قوی محمد عبد اللہ حدیثی لکھنوی در مطبع مجتبیائی لکھنؤ مطبعہ سبوح و کریم

اعمال
واجب الاوعال

بخدمت شانه

خداوند عالم و نعمت جناب سول اکرم
صاحب خلق عظیم علی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم که
کمال خلق اود از آیه اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ پیداست و
جمال رافت و رحمت اود آیه بِالْمُؤْمِنِينَ رِوْفٌ رَحِيمٌ بود
بر شانقاس کتب اخلاق و واقفان فوائد اشفاق مخفی مباد که کتاب بزم موسوم
بتعالیه الاملا مع مؤلفه محمد امام الدین عقیق بوجرت قانون برش گورنشت
و نیز حسب قانون سرکار عالی با ضابطه دخل ہی ریستری گردید و لهذا
بدون اجازت مؤلف کسی تصدیق نظر مایند و باعثه پریشانی
نمود و حق تلفی احقر نشوند مع بر رسولاں بلاغ

باشد و بس

المشتر

محمد امام الدین عقیق

صحيح	غلط	شماره	شماره	صحيح	غلط	شماره	شماره
نپذیرند	پنذیرند	۱۲	۳۳	دارد	داد	۵	۳
ترا تا ویده	ترانویده	۶	۳۶	ادبست	ادبست	۱۲	۲
نیکبخت آنکه از حال دیگران چند گیرد	نیکبخت آنکه از حال دیگران چند گیرد	۹	۴۱	عربی	عربی	۱۲	۹
بزرگترین	بزرگترین	۱۲	۴۲	همشیمانان	همشیمانان	۱۴	۱۱
*	چیز با	۱۲	۵۰	باشد	باشد	۶	۱۰
و بر تبه	بهر تبه	۶	۵۲	کسیک	کسیک	۱۳	۵
از کدام	از کدام	۱	۵۲	بدست	بدت	۱۴	۶
قادر باشد	قادر نباشد	۱۱	۵۳	بظلموس	بظلموس	۱۰	۱۳
اما عزیز نماند	اما عزیز نماند	۱۰	۵۴	//	//	۱	۱۵
کس	کس	۶	۵۶	بهر	بهر	۱۲	۱۱
نوع	x	۱۲	۶۰	ثبات	ثبات	۱۱	۱۶
نوع	x	۱۵	۶۱	کردو	کرداد	۱۵	۲۲
الانسانه سبک الا...	x	۳	۶۲	از بدی	ز بدی	۱	۲۵
با وجود	با وجود	۱۰	۶۳	عربی	عربی	۲	۱۱
میگردانند	میگردانند	۴	۶۴	فحان	فحان	۶	۱۱
لولو	لولو	۳	۶۳	بواجبی داند	بواجبی	۱۰	۲۶
عجیبه حیا	عجیبه حیا	۱۱	۶۵	گردان	گردان	۴	۲۸
بانت التلائی	باب التلائی	۰	۶۹	حرفی	حرفی	۱۲	۱۱
روزی	رومی	۸	۸۱	قسمی	سهمی	۱۵	۱۱
بشاشت	بشاست	۱۰	۸۹	با دشمن	با دش	۱۶	۱۱
بکار آید	بکار آمد	۱۲	۹۰	میکند	یکند	۵	۲۹
فرونگذارند	فرونگذارند	۱۴	۹۱	مبیزهین	مبیزهین	۱۱	۱۱

صحیح	غلط	نمبر	نمبر	صحیح	غلط	نمبر	نمبر
پنجشترطشت	پنجشطرت	۱۲	"	خشدرا	خشرا	۳	۹۵
ربانین	رباینین	۴	۱۳۴	آنکار	انکار	۸	۹۶
سفتها	سفتها	۷	۱۳۹	قدصرا	قدرا	۱۶	۹۷
باب السباعی	باب السداسی		۱۳۶	همشین	همشمن	۲	۱۰۲
"	"		۱۳۷	عاقل آن	عاقل ابود	۱۶	۱۰۳
رسیدند	رسیدند	۱	۱۴۳	شده حلت از گیسیت	شده حلت از گیسیت	۳	۱۰۴
نوبت	نوبت	۷	۱۵۰	دوستی در جلوه گر	دوستی در جلوه گر	۴	۱۰۷
مجازاً بعضی نقل		۱۷	۱۵۵	بکدامی	بکدای	۵	"
				سفر سخت	سفر سخت	۹	"
				پنج چیز	پنج چیز	۶	۱۱۵
				نود	مود	"	"
				میو	بینو	۱	۱۱۷
				برای	بهای	۳	۱۱۸
				بسیبها	بسیبا	۹	"
				باور سه	باور سه	۱۷	"
				و آن	و آل	۱۴	۱۱۹
				یزدانی	بردانی	۷	"
				نکته	نکه	۶	۱۲۰
				و راک	اوراک	۱۱	"
				ممتنع	ممتنع	۱۲	"
				پاسن	پاسن	۱۶	۱۲۱
				ثواب	ثواب	۱	۱۲۲

فہرست کتب مختصرہ جو یہ دکان محمد عبدالستار کتب لکھنؤ چوک مالک مطبع مجتہبی لکھنؤ

واضح ہے کہ راقم کی کارخانہ تجارتی میں ہر قسم کے کتب فروخت کے لیے موجود ہیں جنکی فہرست یہ ہے۔ کالکت نہیں سے روانہ کیجاتی ہے۔ تاجرون کو شرح تالیف ہر طور کا مال مل سکتا ہے جسکے معاملات خط و کار و جوابی سے طے ہون کے ایشیائی ریاضات لکھنؤ پریس میں پبلش و تالیف ہوتی ہیں جو صاحب نقشبندیہ لکھنؤ میں چھپوانا چاہیں عمدہ طرز و اور کامیاب طرز سے لکھتے ہیں

نمبر کتاب	نام کتاب	نمبر کتاب	نام کتاب	نمبر کتاب	نام کتاب	نمبر کتاب	نام کتاب
۱	قرآن شریف	۱	غیاث اللغات	۱	سورہ شریف	۱	کلیات انجمنش
۲	سورہ شریف	۲	کریم اللغات	۲	جدید	۲	صہبانی ترجمہ
۳	مترجم	۳	بیابانہ اردو کا	۳	شجرۃ النبوی	۳	اردو
۴	مامل شریف	۴	انتہت شعرا کے	۴	مولو سعیدی	۴	نصوص الحکم تصنیف
۵	تفسیر پارہ عم	۵	بیت بہت مفید	۵	روح	۵	کی حساب کتاب
۶	تفسیر ترجمان	۶	رجد دوم	۶	رحمت الرحیم	۶	فسانہ آرزو کا کل
۷	القرآن	۷	کوچک بانتر	۷	ایضاً دہلی	۷	سرپایہ سیران پناہ
۸	خلاصۃ المناہج	۸	افاق	۸	سہارنپت	۸	طلسمانازل نمبر
۹	ان اوائل	۹	ایرج نامہ ہر دو	۹	جموعۃ الفتوحات	۹	الروح الجواہر
۱۰	پانام	۱۰	جلد	۱۰	خراگکان بزرگ	۱۰	سیرالہند شطرنج
۱۱	سورہ شریف	۱۱	تورج نامہ ہر دو	۱۱	بسیں نیس	۱۱	سین نقشباتیں
۱۲	مراد الشائقین	۱۲	جلد	۱۲	الارواح	۱۲	سے قواعد آسانی
۱۳	یہ نہایت عمدہ	۱۳	سیرکسار کامل	۱۳	دلیل العارین	۱۳	تمام معلوم ہو سکتے
۱۴	نواہ شریف ہے	۱۴	اردو سے مطبع	۱۴	فوائد السالکین	۱۴	بین
۱۵	نیرا ہدایت	۱۵	نائب	۱۵	راۃ القلوب	۱۵	چوتے الاحیاء
۱۶	سچتوت ہو گیا	۱۶	جاوہر کاسیل و	۱۶	جلد پارہ سلسلہ	۱۶	کشاف النجوم
۱۷	یہ نہایت واضح	۱۷	مداری کا تاشا	۱۷	شامل ہیں	۱۷	نیرا عظم نجومین
۱۸	قابل دید ہے	۱۸	قانون رنگ	۱۸	در قرآن صحیحین	۱۸	یہ نہایت ہی نادر
۱۹	گر کی بتول	۱۹	نقہ سرد ہر دو	۱۹	بزرگوں کے	۱۹	رسالہ قابل دید ہے
۲۰	رحمت بتول	۲۰	جاوہر سے رنگ	۲۰	حالات میں	۲۰	احکام النجوم
۲۱	سورہ شریف	۲۱	یہ رسالہ بظرف	۲۱	کتاب ہی	۲۱	شمس الزہل
۲۲	شہید	۲۲	نہدی عمدہ طور	۲۲	پارہ ہندی	۲۲	محبوب الزہل
۲۳	تعمیر اللغات	۲۳	سے لکھا گیا ہے	۲۳	شریعت اناول	۲۳	میدان الزہل
۲۴		۲۴		۲۴	لغایت و پارہ	۲۴	

محمد عبدالستار کتب لکھنؤ چوک مالک مطبع مجتہبی

فہرست کتب موجودہ گان محمد عبدالمتاثر کتب لکھنؤ چوک مالک مطبع مجتہبی

مائدہ رحمت ستان - معرذت
 بخوان نعت کلان - ناظرین یہ نکتا
 بعد رسالہ جو انواع - اقسام کو کماؤن
 اور پوری پکوان اور شیرینی اور حلویے
 اور تمام ستارن عمدہ اور اعلیٰ وادنی
 و اوسط ہر قسم کے طعام وغیرہ کی نہایت
 نہایت صحیح اور عمدہ ترکیب میں اس فن
 کے اعلیٰ درجے کے کاریگروں کو دریا
 کر کے لکھا گیا ہے اور رؤساء امر کے
 ملاحظے کے لائق بلکہ اس قابل ہے کہ
 اس شائقین کے بیان ایک ایک نسخہ
 ضرور رہتا چاہیے بظرفایت خریداران
 قیمت فی جلد ۸
 تشریح الاجسام فن جراحی میں تمام
 قسم کے پھوڑے اور پھتیوں کے
 علاج میں مع تصویر ہر مرض نہایت
 ہی جامع کتاب ہے قیمت فی جلد ۸
 فتوح الشام - حسین مجاہدین
 کی معرکہ آرائیان اور ہر قل شاہ روم
 سے مقابلہ اور فوج روم شام سے مقابلہ
 اور فتح نصرت اسلام کے حالات مزوم
 ہیں قیمت فی جلد ۸
 میزان الاوقیہ میں دوائیوں کے مرکب
 کرنے اور مقدار شربت اور کیفیت کے
 درجے جانے اور نکلنے کا بیان ہے قیمت
 تفسیر الخاطر کا اردو ترجمہ ۸
 جو اہر لہروف خواص حروف میں جامع
 کتاب ہے جس میں شرائط اعمال اور خواص

اور مرکب اور فنون بنانے کے قواعد
 اور اوکی تاثیرین اور استخراج نام سول
 کے طریقے درج ہیں قیمت ۶
 شرح کلام ربانی با حضرت سید محمد علی الدین
 جیلانی فن تصوف میں عمدہ رسالہ ہے
 قیمت ۳
 تفریح الاذکیا فی احوال الانبیاء قیمت ۱۱
 شفاء الامراض اردو سولفہ جناب حکیم
 نور کریم صاحب دریا بادی جو علم طب کے
 بڑے کامل تھے اس میں طریق تشخیص و علاج
 امراض و تشریح جدا اعضا نہایت تفصیل
 سے مندرج ہے قیمت ۷
 مجموعہ فرسناہ جدید حسین چاہ
 رسالے شامل ہیں بتعریف الخلیل - تدبیر الخلیل
 علاج الخلیل - مفید الخلیل قیمت ۸
 تدبیر العلاج یونانی اور ہندو کوٹوں
 کے کلیات اور مفردات و مرکبات اور مفا
 دام اور ضروری متعلق طب کا نام مجموعہ تمام
 اعضا کے امراض میں ہر عضو کی تشریح مفصل
 لکھی ہے فن طب میں مثیل ہو قیمت ۷
 تریاق اعظم حکیم مرزا محمد علی صاحب
 حکیم میر محمد صاحب برقعش و جناب حکیم علی بن
 صامع جناب حکیم کاظم علی صاحب برواۃ منجم
 کے تجربات اور طب کے نسخوں کا مجموعہ ہے جو
 طلباء کے لیے نہایت عمدہ دستور العمل ہے
 اور نہایت کارآمد ہے - قیمت ۷
 تریاق اعظم حصہ دوم - یہ رسالہ حکیم
 سید محمد خان صاحب سولہانی کے طب کے عمدہ

نسخوں کا مجموعہ ہے ہر نسخے کی نہایت
 کوشش کی گئی ہے قیاساً
 احسن الطلسمات فن طلسم میں یہ سی
 نایاب کتاب ہے جس میں تعریف طلسم و طلسم
 طلسم اور شرائط کو اک اور مجوزات تسلط
 طلسم اور سائل قرآنی و شہادت کو اک وغیرہ
 کے علاوہ ۵۵۰ طلسم ایسے مندرج ہیں جو
 حصول جملہ مقاصد کے لیے عالمین کے
 نزدیک نہایت مجرب و آزمودہ ہیں قیمت
 اسرار الخفیہ ضمیمہ الخفیہ فن جفر
 کی معبر کتاب ہے جس میں دو چھپاسی
 عمل میں مقاصد کے لیے آیات قرآنی
 سے استخراج کر کے علامہ نصیر الدین طوسی
 نے جمع فرمائے ہیں اور انوار القمر میں
 عالمین کا لین کے مجرب و آزمودہ
 نقوش ہر مطلب کے لیے مندرج ہیں
 قیمت ۸
 معین العوارج فہرست اور دیکھ میں تمام
 عمدہ رسالہ مفید طلسم اور شائقین فن طب
 ہے جس سے نسخہ کو طبی میں مدد مل سکتی ہے
 تشریح قصوں حکیم ربیع کتاب لا جواب
 میں حضرت شیخ اکبر علی الدین ابن عربی
 کی تالیف سے ہے اور ہمیشہ اولیا و اولاد
 کی تدریس میں رہی - اس میں پہلے حضرت
 سولفہ کے حالات لکھے ہیں پھر اللہ تعالیٰ
 کے اسرار و صفات کا بیان ہے ہر اصل
 کتاب کا اردو ترجمہ ہے اس میں ایک مقام ہے
 جس میں بارہ فصلیں لیاؤ کے قصوں کا ذکر ہے

۱۹۱۵ء

آئری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ یومیہ لیا جائیگا۔

۱۳۰۳